

گفت و گوی صبا با بازیگران نمایش فریز مکبث فریز

کابوسی قدرتی که مکبث رازها نخواهد کرد

نمایش فریز مکبث فریز به نویسندگی شهرام احمدزاده و کارگردانی آرش دادگر از ۲۳ مرداد اجراهایش را در سالن استاد سمندریان ابرانشهر آغاز کرده است. بازیگرانی مانند حسام منظور، فرید قبادی و صدف اسپهبدی و ... در این نمایش با آرش دادگر همکاری کرده‌اند. خبرنگار صبا با دو بازیگر این نمایش و فریزین محدث بازیگر پر سابقه تئاتر که مهمان افتتاحیه نمایش بوده گفتگویی داشته که در ادامه می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو

فریزین محدث:

میزانسن‌ها خط‌کشی شده و ریاضی‌وار بود

فریز مکبث فریز را چگونه دیدید؟

معتقدم که فریز مکبث فریز یک نگاه متفاوت و دیگرگونه به نمایشنامه مکبث دارد و شهرام احمدزاده سعی کرده تا زیر متن‌هایی که در نمایشنامه مکبث پنهان است و باید با خلاقیت به سراغ آنها رفت را در متن خود عیان کند و تمام روابط را نشان دهد. در کارگردانی آرش دادگر نور و میزانسن‌های خط‌کشی شده، آن ایستایی و فضای ذهنی که مکبث و لیدی مکبث در آن دخیل‌اند، همه را به شکل جزئی و ریاضی‌وار طراحی کرده است و بازیگران در یک فضای جسمانی روانی باید در این فضا قرار بگیرند یعنی بازیگر اگر در دومینویی قرار بگیرد باید هر شب آنرا همانگونه که هست بازی کند چرا که اگر خلی ایجاد شود تمام دومینو بهم می‌ریزد به همین دلیل به شدت از نظر کارگردانی و بازیگری به گونه‌ای است که اگر دو شب پشت هم اجرا را ببینید هیچ تغییری در آن یافت نمی‌کنید چرا که میزانسن‌ها خط‌کشی شده و ریاضی‌وار است و میتوان نمودار آنرا ترسیم کرد. تمام بازیگران به جد در این فضا درخشان و عالی و در اختیار ایده متن و کارگردان بازی می‌کنند. حتی بازیگرانی که نقش‌های کوتاه را بر عهده دارند تاثیرگذار و درست بازی می‌کنند که اگر این بازی دقیق و درست آنها نباشد حسام منظور به عنوان مکبث و صدف اسپهبدی به عنوان لیدی مکبث دیده نخواهند نشد. آنها مانند یک تیم فوتبال پاس‌های درستی به یکدیگر می‌دهند تا فورواردها بتوانند گل بزنند و اگر این پاس دقیق نباشد گلی زده نخواهد شد. کل مجموعه بازیگران مثل یک تن واحد هستند و در آخر بعنوان کسانی که در عرصه تئاتر فعالیت می‌کنیم باید بیاموزیم که ما رقیب یکدیگر نیستیم بلکه همکار هستیم و تلاش می‌کنیم تا فرهنگ و هنر و تئاتر این مملکت پیشرفت کند. اگر از نمایشی لذت می‌بریم باید از آن نمایش بگوئیم و به بازیگرانش بگوئیم که درخشان بازی می‌کنند برای اینکه مادر فضای فرهنگی و هنری این مملکت در کنار هم حرکت می‌کنیم و رقیب هم نیستیم اگر نقدی هم می‌کنیم باید در راستای این باشد که با هم پیشرفت کنیم نه اینکه بازدارنده باشد.

فرید قبادی:

تئاتر مولد بازیگر است

آیا الزاماً هر نقش باید برای بازیگرش چالش برانگیز باشد؟

چالش برانگیز بودن نقش یکی از جذابیت‌های کار بازیگری است. وقتی این چالش وجود ندارد بازیگر در یک مسیر خطی پیش می‌رود. این به این معنی نیست که نقش بدون چالش آسان است یا اینکه چیزی برای رسیدن به آن نقش وجود ندارد، اما نقش‌های چالش برانگیز همواره موقعیتی را برای بازیگر ایجاد می‌کند که خودش را بیشتر محک بزند. البته همه بازیگران هم الزاماً طالب نقش‌های چالش برانگیز نیستند. بعضی از بازیگران

از نقش‌های چالشی و سخت پر هیج می‌کنند. اما بازیگران تئاتر و آنها که ریشه تئاتری دارند، سرشان درد می‌کند برای نقش‌های چالشی و طبیعتاً من هم نقش‌های چالشی را دوست دارم، چون دارای پیچیدگی‌هایی هستند و ترکیب موقعیت‌های مختلف یک ذوق و مهارتی نیاز دارد که به دست آوردنش سخت است و وقتی به دست می‌آورد شعف خاصی به بازیگر، کارگردان و در آخر به تماشاگر انتقال می‌یابد.

آیا در آثار دیگری با آقای دادگر همکاری داشته‌اید و همکاری در این اثر چه تجربه جدیدی برای شما داشت؟

بله من در نمایش کالون و قیام کاستلیون سالها پیش در سه دوره اجرایی در سال‌های مختلف با آقای دادگر همکاری داشتم و سال‌هاست که ایشان را می‌شناسم. رویکرد آرش دادگر نسبت به این متن در قیاس با کارهای قبلی، رویکرد متفاوتی بود. به نظر می‌رسد که این اجرا به لحاظ تکنیک در ادامه اجراهای قبلی آرش دادگر است. ولی تفاوت‌های ساختاری و نگاه مدرن‌تری در این نمایش وجود دارد. در ابتدا، پیش از آنکه در تمرینات حضور داشته باشم، تصورم همان مکانیزم اجرایی قبلی ایشان بود. ولی همان جلسه اول دیدم که مدل تمرینات و نگاه آرش دادگر به شیوه اجرایی این کار متفاوت است. او متناسب با شیوه اجرایی هر نمایش، تمرینات آماده‌سازی، فضا‌سازی، حس و بدن را طراحی می‌کند. در طول تمرینات که بیشتر با نگاه اجرایی آرش دادگر، مانند فریز و روبروس شدن‌ها، شکست زمان و بازی‌های رفت و برگشتی زمان روبرو می‌شدم، جذابیت این تجربه بیشتر می‌شد.

وقتی نقشی را می‌پذیرید اگر حس کنید که

پررنگ‌تر شدن نقش به کار کمک خواهد کرد آیا

ابراز می‌کنید. یا در سکوت مطابق نظر کارگردان

پیش می‌روید؟

قطعا ابراز می‌کنم، چون معتقدم این یکی از وظایف بازیگر است. کارگردان یک اثر باید به تمام کاراکترها فکر کند و برای کل کار طراحی داشته باشد. به موسیقی، نور، صحنه و همه این‌ها در کنار مشکلات اجرا - که اصلاً نباید دغدغه کارگردان می‌بود - فکر کند، اما بازیگر فقط باید روی نقش خودش متمرکز باشد. طبیعتاً وجوه مختلفی از آن را درک می‌کند که شاید کارگردان به آن وجوه مراجعه نکرده باشد. بیان پیشنهادات مرتبط با نقش کمک فکری بازیگر به کارگردان است. اما بازیگر نباید کارگردان را - مستقیم یا غیر مستقیم - ملزم کند که پیشنهاداتش باید در نقش لحاظ شود و به اثر بیاید، نه من به عنوان بازیگر موظف به ارائه این پیشنهادات هستم تا کارگردان ببیند و بشنود و بر اساس طراحی کلی اجرا تصمیم بگیرد که این وجه را در کار دخیل کند یا خیر. اصولاً بازیگری برای کارگردان جذاب است که آورده‌ای داشته باشد. بازیگری که فقط هر آنچه

